

سازمان CIA

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین؛
و گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان.

بخش (۱)

" پاره ای از عملکرد ها ... و گوشه ای از کارکرد ها .. " توسط این قلم اقتباس و نگارش شده و قبلاً در سایت های "بابا"، " پیام آزادی" و پیام فدایی" نشر شده است. توخی

کبیر توخی

تاریخ نگارش (۱۴ جنوری ۲۰۰۹)

تاریخ ارسال آن به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (22 جنوری ۲۰۱۲)

آنچه در ۶ بخش هست

- ۱- در آمد مختصر بر موضوع .
- ۲ - تأملی گذرا به " مدرسه دیکتاتور ها " یا " درسگاه تحقیق و شکنجه " در امریکا لاتین.
- ۳- سیا به مثابه یکی از نهاد های حفاظتی سرمایه های امپریالیستی .
- ۴- سازمان سیا برای سرنگونی رژیم های ضد امپریالیستی در امریکای لاتین کدام اهدافی را نشانی می نمود
- ۵- درنگی بر عملکرد های یکی از افسران سازمان حفاظت عمومی (obs) - امریکا و نظرات وی در مورد شکنجه .
- ۶- سخنی چند در مورد میتود های شکنجه که سیا به عوامل بومی در امریکای لاتین آموزش می داد .
- ۷- شمه ای از اشکال و اعمال شکنجه توسط عوامل سیا در برخی از کشور های امریکای لاتین .
- ۸- نگاهی گذرا به برخی از نهاد های " امدادی " که سیا زیر پوشش آن در امریکای لاتین عمل می کرد.



سازمان CIA

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین

۱- در آمد مختصر بر موضوع مفصل :

از آنجایی که ترند گراف جنایات امپریالیسم امریکا در جهان بطور اعم ، و در افغانستان به طور اخص روز تا روز اوج گرافیک خود را می پیماید . شدت و حدت کشتار مردم مظلوم و بی دفاع ما، دل قلم به داستان و رسانه های مزد بگیر، من جمله سایت های انترنتی وابسته به امپریالیسم و ریزه خوران خوان نعمات آن را به لرزه در آورده ، آنان را به تلاش ها و ترفند هایی واداشته است ، تا به نحوی از انحا این جنایات مدهش و فاجعه های انسانی را توجیه به اصطلاح منطقی نموده آنرا برای امر آرامش و باز سازی در افغانستان ضرورت زمان وانمود ساخته ، حضور نظامیان جنایت پیشه و بی رحم امریکا و شرکا و ازدیاد روز افزون آنرا برای " نابودی تروریسم طالبی " و القاعده یک نیاز اساسی و مبرم تلقی نمایند . بر هر کی قلمی دارد و وجدان حساس و انسانی و آگاهی از جنایات امپریالیسم و ارتجاع ، الزام آور است تا با خنجر قلم بران و درخشان خویش حنجره تبلیغات اغواء گر امپریالیسم را بدرد و آنچه را واقعاً به وقوع می پیوندد ؛ بر ملا سازد .

به تاسی از همین اصل مبارزاتی و رسالت تاریخی است که شرایط و رخداد های خون افشان کنونی در کشور از منی فروتن و شکسته قلم نیز می طلبد تا در راه افشای این جنایات هول انگیز قلم بزنم [با آنکه در این اواخر مصروف نوشتن وقایع و حوادث ۲۸ سال پیش که در زندان پلچرخی اتفاق افتاده ، می باشم و در تلاشم که تا چشم دید ها ، شنیده ها و گفتنی های نشست در رسوبات حافظه خسته ام را در سطح آورده آنها را به تصویر بکشم] . من ، متوجه یادداشت ها و بریده های اخبار و نشراتی شدم که از سالها پیش بدینسو در رابطه با عملکرد های وحشتناک و مخفی مانده امریکا در "جهان سوم " مطالب سخت تکانهنده ای را بر روی سینه بی کینه خود حفظ کرده اند که برای نسل جوان کشور دانستن آن مطالب و اخبار نه تنها تازگی خواهد داشت ؛ بلکه آموزنده و برانگیزاننده نیز خواهد بود.

در این نگاشته از اثر بسیار پر اهمیت و مفصل ب . عقیف تحت عنوان " مدرسه دیکتاتور ها " که بطور مسلسل در نشریه شهروند سال ۲۰۰۲ به چاپ رسیده ، عمدتاً استفاده شده است ، فقط با سعی و تلاش آمیخته با خستگی مفرط و صرف وقت زیاد ، بعضی متن ها - با افزوده های چند - طوری فشرده شده که بدون تغییری در مفاهیم (در زیر عنوان های تازه انتخاب شده) با اصل متن و مضمون ، و افزوده ها خوانایی کامل دارد . در عوض برخی از واژه ها و کلمات و اصطلاحات ایرانی [مثل " پاتوق " که در اصل پاتوغ بوده به معنی " جایی که در ساعتهای معین عده ای در آنجا حاضر شوند " و معادل اصطلاحی آن به دری " پته جای " می باشد] برای فهم بیشتر مطلب - حتی الوسع - سعی شده معادل دری آن نوشته شود .

۲ - تأملی گذرا به " مدرسه دیکتاتور ها " یا " درسگاه تحقیق و شکنجه " در امریکا لاتین :

امریکای لاتین از دو جهت برای امپریالیزم امریکا از اهمیت خاصی برخوردار است . یکی اینکه به خاطر نزدیکی جغرافیایی خود با امریکای لاتین دست خود را (چنانچه وقایع و رخداد های زیادی از قبیل بحران کوبا که جهان را تا نزدیک پرتگاه تقابل هسته ای کشاند ، و ده ها کودتای خونین مثل کودتای شیلی که منجر به سرنگونی سالوادور آلنده شد) در آن منطقه باز دانسته و آنرا به اصطلاح از " شف " خانه خود هم نزدیکتر پنداشته ، حوبلی خانه خود تلقی می نماید . دیگر اینکه موقعیت حساس ژئوپولیتیک و سرشار بودن آن منطقه حاصلخیز از منابع خام و فلزات معدنی ، میوه ، چوب ، شکر ، نفت ، قهوه ، تنباکو و ده ها مواد مورد ضرورت صنایع امپریالیزم امریکا می باشد . و این سبب گردیده که بهره برداری از این همه منابع به قیمت بسیار ارزان ، به خصوص بعد از اوایل قرن بیستم بازارها و نیروی کار ارزان و سایر منابع بهره کشی از خلق های آنجا ، ابعاد بسیار وسیعی به خود بگیرد . از همین سبب این " مرغ تخم طلائی " ، مورد توجه خاص امپریالیزم امریکا قرار گرفت . دولت هایی که در مقاطع معین زمانی قسماً صبغه مردمی داشتند ، باید سرنگون می شدند و به جای آنها دولت های دست نشانده با کودتای های نظامی نصب می گردید . از همین سبب برای برقراری نظم (در واقع همین نظم نوین امروزی که به خاطر آن افغانستان و عراق را به خاک و خون کشیده اند) و نصب کرسی ها ، باید پروژه آموزش پرسنل نظامی و استخباراتی کشور های امریکا جنوبی روی دست گرفته می شد ، تا بعد از کودتا های نظامی توسط این صاحبمنصبان تعلیم دیده ؛ نظم و امنیت دلخواه برای استعمار نو قایم می گردید که بانک داران بزرگ و صاحبان صنایع امریکا با دل جمع و خاطر بی غم بتوانند به بهره کشی (غارت منابع و کسب ارزش اضافی) این سرزمین ها بپردازند . برای پیاده کردن طرح های دست داشته ، آلات و ادوات و افزار های تدارک دیده شده ، به منصفه عمل قرار گرفت . " مدرسه کشور های امریکا " (School Of American Assassins) و " مهد کودک دسته های مرگ " (Death Savad'sNursery) معروف است ، در این کشور بنیاد نمود . در بیش از ۵۷ سال عمر خود این مدرسه افزون بر ۶۲۰۰۰ نفر از صاحب منصبان و افسران اردوی های کشور های امریکا لاتین را آموزش نظامی - اطلاعاتی داده است .

در سال ۱۹۸۴ رئیس جمهور وقت پانامه موفق شد ، پس از ۳۷ سال این مدرسه را از خاک خود اخراج نماید . وی اعلام داشت که این مدرسه : " بزرگترین مرکز ایجاد عدم ثبات در امریکا لاتین می باشد . " پس از اخراج این مدرسه از پانامه ، مدرسه و آموزگاران به پایگاه نظامی ارتش امریکا به نام فورت بنینگ در ایالت جورجیا انتقال یافتند . در سال ۱۹۹۳ پس از اینکه سازمان ملل متحد در یک گزارش تحقیقاتی خود نقش کلیدی و اصلی " مدرسه دیکتاتور ها " را در جنگ کشیف (Dirt War) [از این سبب به آن جنگ کشیف می گویند که هدف از آن مقابله دو ارتش با یکدیگر نبوده بلکه دسته های مرگ علیه مردم عادی و غیر نظامی قرار دارند] کشور ال سالوادور افشا کرد ، این مدرسه اعلام کرد که برنامه آموزشی خود را تغییر خواهد داد و مضامینی در مورد حقوق بشر را شامل پروگرامهای درسی آن خواهد نمود .

در سال ۲۰۰۱، این مدرسه به خاطر فشار زیاد افکار عمومی امریکا و پافشاری سناتور ادوارد کندی کندی با نام جدید به اصطلاح " برنامه جدید " اعلام موجودیت نمود. اسم جدید این مدرسه نام اغوا کننده " انستیتوت همکاری های امنیتی نمیکره غربی " (WHISC) می باشد. این مدرسه سالانه با بودجه ۲۰ میلیون دالری خود تا دو هزار نفر آموزش نظامی - استخباراتی و... می دهد. در میان لست کسانی که از این مدرسه فارغ شده اند، اکثریت دیکتاتور ها و گروه کودتا گران نظامی کشور های امریکا لاتین و کارائیب دیده میشوند؛ مثل: عمر تریخو، مانوئل نوریه گا، (پانامه)، لئوپولدگاتی بری، روبرت ویولا، (حکومت نظامی ارژنتین)، خوان والاسکوآلوارادو (پرو)، گیوم رودیگز (اکوادور)، هوگوبانزر سوارز (بولیوی)، روبرتو دابیسون (سلاخ ال سلوادور) و اکثر افسران عضو شورای کودتای شیلی.

۳- سازمان CIA به مثابه یکی از نهاد های تکامل یافته و بسیار پیچیده حفاظتی سرمایه های امپریالیستی :

عملکرد های مخفیانه سازمان سیا بر مبنای منافع سرمایه انحصاری عیار گردیده است، زمانی که این منافع در کشور های جهان سومی و در افغانستان (به طور اخص) به خطر مواجه شد، نخست در جنگ مقاومت مردم افغانستان به خاطر آزادی کشور شان به گونه مستقیم و یا غیر مستقیم مداخله نمود. توسط دادن پولهای هنگفت و سلاح های مدرن به عوامل و جواسیس بومی اش [مثل گلبدین و امثالهم]، جنگ خود جوش مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم روسیه را مهار زده - از طریق باند های اسلامی ساخته شده اش در پاکستان - در بستر خواسته های واهداف امپریالیستی اش سوق داده آنرا به درازا کشاند و سمت و سوی آنرا از محتوی استقلال طلبانه و آزادی خواهانه اش تهی ساخت و صبغه جنگ مسلمانان به خاطر " نابودی کفر و الحاد شوروی متجاوز به اسلام عزیز " را بدان اطلاق نمود. در پی آن تمامی زیر بنا های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی - نظامی - امنیتی و... را با صد ها هزار انسان این سرزمین آفت زده به خاک و خون برابرساخت. آنگاه باند های از پیش ساخته شده طالبان وحشی را بر کشورما حاکم نمود. و در پی آن به بهانه سرکوب تروریسم باند وابسته شورای نظار به شوروی و سرباندهش احمد شاه مسعود را (که اجنت نظامی وزارت دفاع شوروی بود) باپرداخت صد ها هزار دالر سبز تطمیع نموده به اشغال نظامی کشور ما - که از سالیان متمادی خیال تصرف آنرا در سر داشت -، پرداخت. و هزاران تن انسان این مرز و بوم را با بمب و راکت و خمپاره و توپ و لایزر و مواد کمیایوی و آلودگی های اتمی نابود ساخت و هم اکنون بر شدت این کشت و کشتار افزوده و هزاران تن دیگر را به قتل رسانده است. قشر نازک؛ اما بسیار مرتجع و خاین به مردم و آزادی کشور را در چنبر چیزی بنام "لویه جرگه" و "شورای ملی افغانستان" قرار داده از طریق آنان (جنایت کاران پرچم و خلق و خاد و شورای نظار و دوستمی و وحدتی و...) نشستن کرسی همه چیز باخته را - که از سالیان پیش در دستگاه جاسوسی سازمان سیا اش پرورش داده بود - براریکه ریاست جمهوری (اداره استعماری) مسجل و " قانونی " ساخت. و باتزریق خون سبز دالر در رگ های خشکیده قلم به دستان آماده خدمت به سرمایه امپریالیستی، آنان را و داشت تا تجاوز آشکارش به افغانستان را خیر مقدم گفته گل نثار قدوم اش نمایند.

بلی خواننده گرامی ! امپریالیزم امریکا مثلاً در شیلی زمانی که سالوادور آلنده از طریق انتخابات به قدرت رسید و خواست ریفورم هایی را به نفع مردم و به ضرر شرکت آی تی تی و امثالش در کشور خود پیاده نماید ، برای سرنگونی آن وقاحت و بی شرمی را تا آن سطح به نمایش گذاشت که نماینده سیاسی سرمایه امریکائی ؛ یعنی نیکسون رئیس جمهور امریکا به عوامل تخریبکار خود در شیلی توصیه نمود که : " کاری کنید که اقتصاد آنها به فریاد درآید " (make the economy scream). و در نیکاراگوا این سبوتاژ و تخریب بگونه دیگر صورت گرفت . تخریب زیر ساخت های آن کشور با مین گذاری در بنادر تجارتي ، بمب گذاری در راه های آهن ، بند برق و " ایستیشن های برق " و پایه های مخابراتی و برخی نهاد های دولتی و غیره صورت گرفت ؛ اما در افغانستان توسط نوکران زرخریدش (اخوان جنایتکار) نه تنها گل و سنک و چوب و چونه و ریگ و سمنت و آهن و آهن پاره و ماشین آلات فابریکه های کشور به خارج انتقال داده شد ؛ بلکه استخوان مرده های پدران و مادران ما را نیز این قوادان شرف باخته و بویناک اخوانی با بی حرمتی از قبر بیرون کشیده برای فروش به پاکستان انتقال دادند . و این بدترین توهینی تاریخی بود که امپریالیزم جنایت پیشه امریکا از طریق نوکران خونین دهن بویناک خود به مردم ما روا داشت (تشریح نابودی تمامی زیر ساخت های اقتصادی- نظامی و حقوقی و فرهنگی و نهاد های دولتی در این نگاشته نمی گنجد) . زاغ و زنبور و کرگس و گفتار و شغال و روباه CIA (اخوان) بنا به دستور آمرین آن سازمان به جان مردم ما ، به ناموس مردم ما ، به منافع ملی ما ، به تمام داشته های فرهنگی و مادی مردم ما ؛ چنان غفیدند و جفیدند و چسپیدند که چیزی از آن به جا نگذاشتند [کناه بس بزرگی را مرتکب خواهیم شد ؛ هر گاه لحظه ای از یاد ببریم که قبل از اخوان رهن نوکران بی ننگ روس ؛ یعنی خلق و پرچم و خاد چه مقدار دارائی های عامه را به اسعار خارجی تبدیل کرده از کشور خارج ساختند (شکنجه های وحشیانه ای که در حق زندانیان روا داشتند ، ده ها هزارهموطن آزادیخواه ما را از زندان بیرون کرده به طور دسته جمعی قتل عام کردند و جنایتی که در جبهات جنگ مرتکب شدند ، و ملیون انسانی را که آواره دشت و کوه و صحرا و ریگستان کشور های خارجی ساختند و وطنی را که به روس ها فروختند ؛ باشد به جایش)] .

۴- سازمان CIA برای سرنگونی رژیم های ضد امپریالیستی در امریکا لاتین کدام اهدافی را نشانی می نمود؟

ابتدا گروه های دست راستی اعم از مذهبی و نظامی را شناسایی کامل کرده ، با آنها تماس برقرار نموده ، بر این زمینه به توافق می رسید : " هرگاه منافع اقتصادی و سیاسی ما را هم در نظر بگیرید ، ما شما را روی کار می آوریم و در صورتی که تحت فشار و یا حمله مخالفین قرار بگیرید ، شما با فامیل هایتان می توانید روی ما و کشورما حساب کنید . دارایی های شما در کشور ما کاملاً در امن و امنیت قرار داشته در صورت عدم وجود شما اولادتان صاحبان اصلی آن خواهد بود " . بعداً مثالهای در زمینه ارائه میدادند . جانبین که بر سر تصاحب ثمره کار خلق ها و اختناق شان جام های شراب را به سلامتی همدیگر سمری کشیدند ، آنگاه نوبت به پرورش و آموزش می رسید . کارشناسان و حرفه ای های نظامی ، استخباراتی ، جنگ روانی و تبلیغاتی عرض وجود کرده در نقاط بسیار امن و دور از نظر مردم ؛ مثلاً در خود سفارت خانه های امریکا گردهمایی ها زیر

پوشش دعوت های فرهنگی و کلتوری ، نمایشات فلم های تربیوی و مستند و داستانی ، کورسهای لسان در اوقات معینه ، برگزاری روز آزادی امریکا و... ؛ صورت می گرفت . قسماً در کلیسا ها ؛ حتا در کشور های همجوار افراد نشانی شده و داوطلب " همکاری " با امریکا ؛ آموزش لازمه را با آخرین میتود ها و طرق تازه کشف شده اطلاعات و شگرد های نوین نفوذ تخریبی در میان مردم و سازمان های سیاسی ؛ دریافت می کردند . براندازی دولت مخالف امریکا آغاز می شود . افراد تربیه شده از جانب سیا به افریقا و امریکای لاتین زیر نام " کارمند دفتر ملل متحد " فرستاده می شد [در سالهای ۱۹۸۹ دفتر پناهندگان ملل متحد که به مثابه آله دست امریکا عمل میکرد ، در دهلی جدید برخی از ترجمان های افغان را تربیه و به افریقا و امریکای لاتین و... می فرستاد] . نقشه و پروژه کودتا مطرح بحث قرار گرفته همکاران بومی ، بخصوص عناصر نظامی کشور مورد نظر در زمینه پیاده ساختن آن ابراز آمادگی می نمودند . عملیات ، در راستای رسیدن به هدف از هیچ کاری نباید رویگردان بود . همه کار ها مجاز است ؛ حتا قطع سر هزاران کودک در برابر والدین آنها . نخست تبلیغات زهر آگین شروع می شد ، دروغ های شاخدار با صراحت در رسانه های اجیر شده بازتاب می یافت . در انتخابات به قیمت ولو گراف تقلب صورت می گرفت . صندوق رای خریده می شد . صندوق قلابی به جای آن گذاشته می شد . اشخاص با استفاده از ضعف های اخلاقی و سیاسی آنان که با آخرین آلات و دستاورد های تکنولوژیک در مورد آنان و ... اطلاعات کسب شده ، تطمیع و یا تهدید می شدند . شایعه پردازی پخش ؛ حتا نشر کتب دروغ در باره سیاستمداران و مبارزان آگاه و با نفوذ در جامعه که از اعتباری در میان مردم بر خوردارند ، و از دولت زیر پروژه سرنگون شدن جانبداری می نمایند . و یا سیاستمدارانی که در ارگانهای آن دولت پست های حساسی دارند . خریداری مطبوعات و رسانه های طرفدار دولت ، و همینطور خریداری خبرنگاران و سیاستمداران صاحب نفوذ در جامعه ، نفوذ در درون سازمانهای موافق دولت و یا مخالف دولت به خصوص سازمان های کمونیستی ، حزب سازی توسط افراد و شخصیت های معتبر و خریداری شده و یا اشخاص ناشناس . خریداری افراد نخبه سازمان های اپوزسیون و نهاد های مخالف دولت و اعضای بلند پایه سندیکاها و اتحادیه های کارگری و استادان پوهنتون ها ، سازمانهای زنان و اقسام تشکیلات صنفی . دست زدن به تظاهرات از طریق عوامل خریداری شده و نفوذی های خودی ، ایجاد شور و غوغا روی برخی مسایل دینی و مذهبی و سیاسی و کشاندن آن به تظاهرات دسته جمعی ، زندان سازی شخصی ، آدم ربایی شخصی ، شکنجه و قتل اشخاص ربوده شده و انداختن جسد آنان به محل کار و یا خانه کارمندان عالی رتبه دولتی و یا اشخاص مورد نظر ؛ تهدید به کشتن و یا ربودن اعضای اناث فامیل آنانی که در صدد خنثی سازی شایعه و تبلیغات دروغین ایادی امریکا در میان مردم بودند .

این سعی و تلاش از جانب یک نیروی مخرب و متشکل و منضبط که از جانب یک قدرت عظیم امپریالیستی براه انداخته شده و از لحاظ مادی و فنی پشتوانه "قابل اعتمادی" برایش بوده و تحت قوماندۀ متخصصین واژگون سازی آن در بستر پر خم و پیچ کودتا در حرکت اند ، سر انجام به پیروزی رسیده ، یک دست نشانده ، یک دیکتاتور نظامی (مثل رضا شاه در ایران) در رأس قدرت دولتی قرار می گیرد . در آغازین روزهای پیروزی کودتا ، سازمان سیا رمز و رموز حفاظت از دیکتاتور دست نشانده را به بخش امنیتی قبلاً سازمان یافته آموزش می دهد و میتود های مقابله با دشمنان دولت کودتا را - از تبلیغاتی گرفته تا یورش های نظامی به هر نقطه ای که باشد - به دستگاه امنیتی دیکتاتور نظامی و یا مذهبی (در شکل امریکایی آن آیت الله

خمینی در ایران و در شکل روسی آن تره کی - امین در افغانستان) آموزش می دهد تا با دشمنان استعمار نو و نظم نوین جهانی (که هدف از آن ایجاد و بر پایی یک حکومت واحد امپریالیستی بر سراسر جهانی می باشد) از طریق ترس از گرفتاری و زندان و تحقیق و شکنجه و حبس و اعدام تمام مخالفین (احزاب کمونیست ، مدافعان آزادی و دموکراسی ، احزاب دموکرات ضد امپریالیستی و خلق های کارد به استخوان رسیده) برخورد بی رحمانه نموده منافع امپریالیستی و سرمایه کمپرادور و زمین داران بزرگ همینطور منافع همیشه دور نگهداشته شده نهاد های مذهبی - که با هر نوع دولتی سر سازش و همکاری می داشته باشند - ؛ حفظ گردد .

این عملکرد ها در شیلی ، مشابه عملکرد های سازمان سیا در سایر کشور های امریکای لاتین و آسیا و افریقا بود است . **سالوادور آلنده رئیس جمهور شیلی** در سال ۱۹۷۱ در یکی از سخنرانی های خود اعلام داشت : **« ملتی که سازمان یافته ، دارای دسپلین و آگاه باشد به همراه یک نیروی مسلح و پولیس درستکار و وفادار بهترین دفاع برای یک حکومت مردمی و خلقی است »** . وی در آخرین نطق خود از درون قصر ریاست جمهوری شیلی که زیر بمباران طیارات و تانک بر روی نوار ثبت کرده است ، گفت :

« آنها قدرتمند هستند ، آنها می توانند ما را خرد کنند اما پروسه اجتماعی را نمی توانند توسط جنایت و یا زور متوقف سازند . تاریخ از آن ماست و مردم آنرا خواهند ساخت » .

پنج ساعت بعد در ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۱۱ ستمبر ۱۹۷۳ یک بخش ارتش شیلی به قومانده ... روبرتوگاردو به طبقه دو قصر ریاست جمهوری نفوذ کرد . افراد آن به سرعت از پله های زینه بالا رفته با ماشیندار های خود شخص **سالوادور آلنده** را مورد هدف کلوله های آتشین قرار داده به قتل رساندند . امپریالیزم باین شگرد در شیلی عملکرد و به نصب دیکتاتور پرداخت .

از آنجایی که زمان سازمان دادن کودتا ها بنا بر دلایلی - که بر شماری آن از عهده این نگاشته خارج بوده - تقریباً سپری شده ، امپریالیزم امریکا با تجاوز آشکار بر کشورها نمی خواهد با روپوش ظریف دولت های وابسته حضور اقتصادی نظامی اش را به نمایش بگذارد . او در شرایط کنونی عمدتاً به دولت دست نشانده (آنهم بنا به گفته ی خودش " تا مدتی ") در شرایط حضور نظامی اش در کشور اشغال شده ، نیاز دارد . مانند اشغال افغانستان و نصب اجنت آموزش دیده اش کرزی در نقش رئیس جمهور افغانستان (؟!) .

جورج کنان (George Kennan) که در دوران جنگ سرد طراح و یکی از مغز های متفکر اصلی سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در وزارت امور خارجه این کشور بوده است ، با صراحت تمام در ۶۰ سال قبل (۱۹۴۸) اعلام کرد که امریکا باید هر گونه سانتی مانتالیزم و رومانیزم در مورد حقوق بشر و غیره را کنار گذاشته و از منافع خود صریحاً دفاع نماید . وی در یکی از اسناد اصل و پایه ای سیاست خارجی آن کشور در جنگ سرد ، در جهان سوم چنین می نویسد :

« ما در حدود ۵۰٪ ثروت و سرمایه جهان را کنترل می کنیم . اما فقط ۶/۳٪ جمعیت جهان را داریم . در چنین شرایطی ما هر کار کنیم باز هم مورد حسادت و بیزاری سایرین قرار خواهیم گرفت . وظیفه اصلی ما در این دوران به وجود آوردن ارتباطی است که به ما اجازه دهند این موقعیت و برتری نامتعادل (Disparity) بدون ضربه به امنیت ملی خود را حفظ نمائیم . برای انجام

اینکار باید هر گونه توهم و سانتی مانتالیزم (احساسات و عواطف) را از خود دور نمائیم ، ما باید در همه جا فقط بر روی اهداف آنی ملی خود متمرکز شویم . ما نباید خود را گول بزنییم که می توانیم امروزه این تحمل را داشته باشیم که به دنبال خوبی برای جهان و دیگران برویم ... ما باید از حرف زدن به طور مبهم خود داری کنیم . اهداف غیر واقعی مانند حقوق بشر و بالابردن سطح زندگی و دموکراتیزه کردن (دموکراتیزه کردن کشور ها - توحی) را کنار بگذاریم . آن روز دور نیست که ما باید به طور صریح از زبان قدرت سخن بگوئیم . و هر چه که کمتر با شعار های ایده آلیستی دست و پای خود را ببندیم ، بیشتر به نفع ما خواهد بود . «

ادامه دارد